

نقد عناصر داستان «حکایات طبیب» نجیب کیلانی

بر اساس رویکرد ادبیات اسلامی*

مجید صالح بک، استادیار دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبایی
نجمه حسینیان فر^۱، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی

چکیده

در دنیای امروز، اندیشمندان و صاحب‌نظران در پی آنند تا به شیوه‌های گوناگون اندیشه‌های مورد نظر خویش را ترویج نمایند، در این میان مقوله‌ی هنر و ادبیات و به ویژه ادبیات داستانی از تاثیرگذاری بیشتری برخوردار است. از دهه‌ی چهارم قرن بیستم میلادی، ادبای برجسته‌ای با تلاش‌هایی که به خرج دادند موجبات رشد و شکوفایی داستان اسلامی را فراهم نمودند به طوری که در دهه‌ی پنجاه، ادبیات اسلامی به صورت یک مکتب ادبی با ویژگی‌های خاص خود مطرح گردید.

نجیب کیلانی (۱۹۳۱-۱۹۹۵) نویسنده معاصر عرب و از جمله نظریه‌پردازان ادبیات اسلامی است. مقاله حاضر، با روش توصیفی و تحلیلی، سعی دارد با بررسی عناصر مجموعه داستان «حکایات طبیب» کیلانی، به نموده‌های ادبیات اسلامی در این مجموعه داستان دست پیدا کند. بدین منظور ضمن معرفی اجمالی کیلانی و اشاره به دیدگاه‌های وی در رابطه با ادبیات اسلامی، به نقد و بررسی عناصر داستان «حکایات طبیب» بر اساس رویکرد ادبیات اسلامی پرداخته‌ایم.

با بررسی درون‌مایه، شخصیت، گفت و گو، صحنه‌پردازی و توصیف در این مجموعه داستان می‌توان مشاهده کرد که کیلانی با به‌کارگیری برخی نموده‌های ادبیات اسلامی، به داستان‌های خود در این مجموعه رنگ و بوی اسلامی بخشیده است و می‌توان حکایات طبیب او را به عنوان یکی از نمونه‌های داستان اسلامی به شمار آورد.

کلیدواژه‌ها: ادبیات اسلامی، داستان اسلامی، نجیب کیلانی، حکایات طبیب.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۰۹

*تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۲۵

۱- نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: hosseinianfar@gmail.com

مقدمه

ادبیات اسلامی از گرایش‌های معاصر هنر اسلامی است که نویسندگان مسلمان آن را مطرح کرده‌اند. این‌که چه چارچوبی در ادبیات باید رعایت شود تا به آن «ادبیات اسلامی» اطلاق شود، مسأله‌ای است که نظریه‌پردازان، آن را مورد بررسی قرار داده‌اند.

نجیب کیلانی (۱۹۹۵-۱۹۳۱) نویسنده معاصر عرب و از نظریه‌پردازان ادبیات اسلامی است. وی ادبیات اسلامی را ادبیاتی متعهد و هدفمند می‌داند و معتقد است نویسنده مسلمان هر گفته یا کار خود را محاسبه می‌کند، زیرا معتقد است از او درباره اینکه چرا، درباره چه و به چه هدف و غایتی می‌نویسد، پرسش می‌شود؛ از این رو ادیب مسلمان به روشی فراگیر در زندگی، متعهد و ملتزم است که با سخن و عمل خود آن را بیان می‌کند (کیلانی، ۱۳۸۵: ۷۳).

در پژوهش حاضر قصد داریم تا به تحلیل نموده‌های ادبیات اسلامی در مجموعه داستان «حکایات طیب» نجیب کیلانی پرداخته و میزان به کارگیری نموده‌های ادبیات اسلامی در عناصر داستان این مجموعه را مورد پژوهش قرار دهیم تا بتوانیم به برخی از پرسش‌های مورد نظر پژوهشگران ادبیات اسلامی پاسخ دهیم، پاسخ به سوالاتی از قبیل اینکه: چه چارچوبی در ادبیات باید رعایت شود که به آن ادبیات اسلامی اطلاق شود؟ نجیب کیلانی تا چه حد در این نوع ادبیات سهیم بوده است؟ مجموعه حکایات طیب چه نموده‌هایی از ادبیات اسلامی را در خود جای داده است؟

به نظر می‌آید ادبیات اسلامی عناصری را دربرمی‌گیرد که بتوانند ارزش‌های دین مبین اسلام را به منصفه ظهور برسانند. نجیب کیلانی نیز با توجه به تألیفات متعددی که در این رابطه انجام داده است جزء سردمداران این ادبیات به شمار می‌آید، بنا بر بررسی نموده‌های ادبیات اسلامی در مجموعه داستانی منتخب وی با نمونه عملی این نوع ادبیات بیشتر آشنا خواهیم شد.

از جمله پژوهش‌های مرتبط با موضوع این مقاله می‌توان به پایان‌نامه کارشناسی ارشد «بررسی و تحلیل نقش و جایگاه نجیب کیلانی در داستان نویسی اسلامی معاصر» اشاره کرد، پژوهشی که به بررسی جایگاه کیلانی در داستان نویسی اسلامی پرداخته و

نقد عناصر داستان «حکایات طیب» نجیب کیلانی بر اساس رویکرد ادبیات اسلامی ۲۹

عناصر داستان «الرجل الذی آمن» وی را مورد نقد قرار داده است (زودرنج، ۱۳۸۰: ص ۱۵۹-۱۶۳).

مقالات انگشت شماری نیز در رابطه با دیگر وجوه فکری کیلانی و تبحر وی در به کارگیری آن‌ها در داستان نگاشته شده‌اند، از جمله مقاله «المضامین الإجتماعیة فی روایة «لیل و قضبان» لنجیب الکیلانی» (سمتی و نقوی، ۱۳۹۲: ص ۹۳-۱۱۲) که با بررسی مضامین اجتماعی رمان لیل و قضبان به دیدگاه کیلانی در رابطه با جامعه عرب معاصر دست یافته است؛ مقاله «استعمارستیزی در رمان‌های نجیب کیلانی بررسی موردی داستان عمالقة الشمال» (عبدی و زمانی، ۱۳۹۰: ص ۱۶۳-۱۹۵) نیز با تحلیل عناصر داستان عمالقة الشمال دیدگاه کیلانی در رابطه با استعمار ستیزی را روایت کرده است، «رنالیسم در داستان‌های کوتاه نجیب کیلانی با استناد به مجموعه داستانی الکابوس» (خزعلی و بصیری، ۱۳۸۸: ۷۷-۱۰۰) نیز سبک واقع‌گرایانه کیلانی را در عناصر داستان مجموعه کابوس مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. مقاله حاضر در نظر دارد به وجه متفاوتی از وجوه فکری کیلانی دست پیدا کند، پژوهشی که قصد دارد با تحلیل عناصر داستان در مجموعه حکایات طیب مولفه‌های ادبیات اسلامی و چگونگی به کارگیری آن در قالب داستان دست پیدا کند.

بدین منظور پس از معرفی اجمالی نجیب کیلانی، با دیدگاه او در زمینه ادبیات اسلامی آشنا شده و در بخش اصلی پژوهش به بررسی نموده‌های ادبیات اسلامی در عناصر داستان مجموعه حکایات طیب خواهیم پرداخت.

نجیب کیلانی^۱ و ادبیات اسلامی

پیش از این نیز اشاره شد که نجیب کیلانی از نخستین نظریه‌پردازان ادبیات اسلامی است، وی شالوده داستان نویسی اسلامی را بنا نهاد و زمینه را برای اجرای عملی این نظریه مهیا نمود. تألیفاتی که در این زمینه از کیلانی به جا مانده است یا در مورد نظریه وی در زمینه ادبیات اسلامی است و یا صورت عملی این نظریه، یعنی به کارگیری آن در شعر و داستان است. از جمله آثار وی در زمینه ادبیات اسلامی می‌توان به این موارد

اشاره کرد: اسلامیة و المذاهب الأدبية، آفاق الأدب الإسلامي، رحلتي مع الأدب الإسلامي، مدخل إلى الأدب الإسلامي، الأدب الإسلامي بين النظرية و التطبيق، القصة الإسلامية و أثرها في نشر الدعوة، تجرّبي الذاتية في القصة الإسلامية، حول القصة الإسلامية.

آثار کیلانی به عرصه سینما و تلویزیون نیز راه یافته‌اند که از آن جمله می‌توان به فیلم «لیل و قضبان» و سریال «اللیل الموعود» اشاره نمود. همچنین آثار وی به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، ترکی، روسی، اردو، فارسی، چینی، ایتالیایی و سوئدی نیز ترجمه شده است.

توجه کیلانی به ادبیات و داستان از آغاز جوانی وی شروع شد. او در سال ۱۹۵۲ با پژوهشی که در رابطه با زندگی اقبال لاهوری انجام داد به اوج شهرت خود رسید. با تألیف کتاب‌هایی چون «الإسلامية و المذاهب الأدبية» و نیز مقدمه‌ای که بر کتاب «منهج الفن الإسلامي» محمد قطب نگاشت قدم در عرصه ادبیات اسلامی نهاد (کیلانی، ۱۳۸۷: ص ۱۵).

کیلانی داستان اسلامی را داستانی می‌داند که با بیان استوار و تأثیرگذار و با تأکید بر پیامی که به خواننده القا می‌کند در قالبی زیبا و تأثیرگذار ارائه می‌شود، این داستان به خودی خود هدف نیست، بلکه وسیله‌ای برای گسترش دعوت اسلامی است (کیلانی، ۱۹۹۲: ص ۲۶).

وی در کتاب اسلام و مکاتب ادبی، ادبیات را یک هنر معرفی می‌کند و اعتقاد دارد اسلامی کردن آن منافاتی با هنری بودن آن ندارد، دشمنی بین هنر و دین با طبیعت ملایم آن دو سازگار نیست. هر چند به دلیل موقعیت‌های ناگوار تاریخی این جدال بین هنر و دین به جنگی منتهی شد که کرامت هر دو را مخدوش کرد؛ هنر به خروج از موازین جامعه و تمایل به بی بند و باری زیر پوشش شعارهای آزادی ساختگی، و دین نیز به تحجّر و تقدیس گذشته‌ها بدون توجه به خوب و بد آن متهم گردید و در نتیجه میان دین و هنر جنگ هولناکی به وجود آمد و هر کدام این گمان را داشتند که نابودی دیگری به معنای بخشیدن حیات به خود او و در حکم پیروزی اندیشه و قداست آن است (کیلانی، ۱۳۷۶: ص ۱۵).

نقد عناصر داستان «حکایات طیب» نجیب کیلانی بر اساس رویکرد ادبیات اسلامی ۳۱

به منظور شناخت بیشتر دیدگاه کیلانی در زمینه داستان اسلامی و چگونگی وارد شدن این دیدگاه به حوزه داستان، از میان آثار ارزشمند وی مجموعه داستان حکایات طیب را در بوته‌ی نقد قرار خواهیم داد.

نقد عناصر داستان «حکایات طیب» بر اساس رویکرد ادبیات اسلامی

حکایات طیب مجموعه‌ای شامل ۲۷ داستان کوتاه است، این مجموعه از دیگر آثار کیلانی با یک ویژگی خاص متمایز می‌شود؛ حکایات طیب خاطرات و تجربه‌های شغلی کیلانی است و بنا به اذعان وی در مقدمه کتاب اکثر حوادث داستان‌ها حوادثی واقعی است که به گونه‌ای برای شخص نویسنده یا همکاران وی اتفاق افتاده است. نجیب کیلانی به این تجربه‌ها رنگ و بویی متفاوت داده و آن‌ها را در قالب داستان کوتاه در یک مجموعه گردآوری کرده است.

دو نکته‌ای که پس از خواندن داستان‌های این مجموعه برای خواننده روشن می‌شود یکی شخصیت ثابت داستان‌های این مجموعه یعنی «پزشک» است که گاه به شکل قهرمان در داستان حضور دارد و گاه به عنوان یکی از شخصیت‌های فرعی، وارد داستان می‌شود. نکته دیگر سبک و سیاق داستان‌هاست، لحن ساده و رسای داستان‌ها برای خواننده ملموس است. بیشتر داستان‌های این مجموعه، اوضاع اجتماع، سنت‌ها و آداب اجتماعی را دربردارد. به منظور پی بردن به نمودهای داستان اسلامی در این مجموعه، لازم است به تحلیل عناصر داستان این مجموعه بپردازیم، بدین منظور درون‌مایه، شخصیت، گفت و گو، صحنه‌پردازی و توصیف را در داستان‌های این مجموعه مورد بررسی قرار خواهیم داد.

درون‌مایه

درون‌مایه یا مضمون (theme) فکر اصلی و مسلط در هر اثر ادبی است، خط یا رشته‌ای که در خلال اثر کشیده می‌شود و عناصر آن را به یکدیگر پیوند می‌دهد؛ به بیانی دیگر درون‌مایه را به عنوان فکر و نظر حاکمی تعریف کرده‌اند که نویسنده در داستان اعمال

می‌کند (میرصادقی، ۱۳۷۷: ص ۱۱۰).

با توجه به این تعریف انتظار می‌رود کیلانی درون‌مایه داستان را عرصه‌ی مناسبی برای طرح ارزش‌های اسلامی خود قرار داده باشد. وی در کتاب حول القصة الاسلامیة داستان اسلامی را داستانی برگرفته از قرآن و سنت معرفی می‌کند، ابزار ادبی تاثیرگذاری که بر عبرت و پند پذیری تاکید دارد (کیلانی، ۱۹۹۲: ص ۲۲).

داستان‌های مجموعه حکایات طبیب سبکی ساده دارند و ایجاز لازم به عنوان یکی از ویژگی‌های داستان کوتاه را دارا هستند و همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد داستان‌ها سلسله حوادث واقعی برگرفته از تجربیات نویسنده و یا همکاران پزشک اوست، حوادثی که در بطن جامعه رخ می‌دهند. مطرح کردن مسائلی مانند فقر، بیکاری، ازدواج، مهاجرت و.. نشان از آگاهی نویسنده از موضوعات رایج جامعه خود دارد. نویسنده مسائل ساده و پیش‌پا افتاده را که همه روزه در زندگی با آن مواجهیم با نگاهی دقیق مطرح می‌کند و اعتقادات دینی خود را در آن جا می‌دهد.

از آنجا که درون‌مایه هماهنگ‌کننده موضوع با شخصیت، صحنه و دیگر عناصر داستان است و جهت فکری و ادراکی نویسنده را نشان می‌دهد (میرصادقی، ۱۳۷۷: ص ۱۱۰). روی این عنوان توقف بیشتری به نسبت سایر عناصر خواهیم داشت و به منظور بررسی دقیق‌تر افکار انسانی و اسلامی مورد نظر کیلانی در درون‌مایه‌ی داستان‌های این مجموعه، این موارد را ذیل عناوینی فرعی ذکر کرده و برای هر یک به ذکر نمونه‌هایی خواهیم پرداخت.

ذکر آیات و روایات

در بیشتر داستان‌های این مجموعه عبارات و مفاهیم قرآنی و روایی به کار رفته است؛ گاه صورت کامل آیات و روایات ذکر شده است؛ چنان‌چه در داستان «لیل الحیاری» پزشک که از درمان بیمار خود عاجز شده وضو می‌گیرد و وارد مسجد می‌شود، شخصی درحال قرائت آیاتی از قرآن است، کیلانی آیات را به صورت کامل می‌آورد: ﴿إِنَّ الْإِنسَانَ لِرَبِّهِمْ لَكَنَّاظِرٌ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ

نقد عناصر داستان «حکایات طیب» نجیب کیلانی بر اساس رویکرد ادبیات اسلامی ۳۳

أَلْتَنِي كُتُبُكُمْ تُوَعَّدُونَ ﴿﴾ (کیلانی، ۱۹۹۷: ص ۱۳۴) آیه ۳۰ سوره فصلت: آنان که گفتند: محققا پروردگار ما خدای یکتاست و بر این ایمان پایدار ماندند فرشتگان رحمت بر آنها نازل شوند (و مژده دهند) که دیگر هیچ ترسی (از وقایع آینده) و حزن و اندوهی (از گذشته خود) نداشته باشید و شما را به همان بهشتی که (انبیا) وعده دادند بشارت باد.

یا در داستان «الضحیه» که مأمور پلیس رو به به دکتر می گوید: ﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيُنَبِّئُ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾ (کیلانی، همان: ص ۵۸) آیات ۲۶ و ۲۷ سوره الرحمن «هر که روی زمین است دستخوش مرگ و فناست. و زنده ابدی ذات خدای با جلال و عظمت توست.

جایی دیگر در داستان «القلب الجریح» عبدالجواد آشفته از خواب می پرد و پس از گفتن ذکر استغفار به پهلوی راست خوابیده و زمزمه می کند: «بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ وَصَعْتُ جَنبِي وَ بَكَ أَرْفَعُهُ إِنْ أَمْسَكَتْ نَفْسِي فَاغْفِرْ لَهَا وَإِنْ أَرْسَلْتَهَا فَاحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ» (کیلانی، همان: ص ۶۹) این جملات دعایی، حدیثی است از پیامبر (ص) که به مسلمانان برای هنگام خواب توصیه شده است؛ پروردگارا با نام تو می خوابم و با یاد تو بیدار می شوم، اگر در این میان جان مرا گرفتی، آن را مورد آمرزش خود قرار بده و اگر بازگرداندی همان گونه که از جان بندگان صالح خود محافظت می کنی از آن محافظت نما (بخاری، ۱۹۸۱، ج ۷: ص ۱۴۹).

گاه نیز به قسمتی از آیات یا روایات اشاره می کند، به عنوان نمونه در داستان ابوالبنات شخصیت اصلی داستان -مصطفی- آیه ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ را زمزمه می کند (کیلانی، همان: ص ۲۰۰) که بخشی از آیه ۱۵۶ سوره بقره است: ﴿الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند (صبوری پیش گرفته و) گویند: ما به فرمان خدا آمده ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد.

یا در داستان لیل الحیاری پزشک برای دلداری بیمار قسمتی از یک حدیث قدسی را ذکر می کند: «فَإِنْ ذَكَرْنِي فِي نَفْسِهِ ذَكَرْتَهُ فِي نَفْسِي.. وَإِنْ أَتَانِي يَمْسِيهِ أُنْتِيهِ هِرْوَلَةٌ» (کیلانی، همان: ص ۱۳۸) روایت کامل این حدیث قدسی از ابوهریره در صحیح بخاری

نقل شده است: «أنا عند ظن عبدی بی وأنا معه إذا ذكرنی فإن ذكرنی فی نفسه ذکرته فی نفسی وإن ذكرنی فی ملا ذکرته فی ملا خیر منهم وإن تقرب إلی شیراً تقربت إلیه ذراعاً وإن تقرب إلی ذراعاً تقربت إلیه باعاً وإن أتانی یمشی أتیته هرولاً»؛ من نزد ظن بندهام هستم؛ با او هستم هرگاه مرا یاد کند، اگر مرا در دلش یاد کند من هم او را نزد خود یاد می‌کنم و اگر مرا در جمعی یاد کند من هم او را در جمعی بهتر از آن یاد خواهم کرد. اگر یک و جب به من نزدیک شود من یک ذراع [فاصله آرنج تا انگشتان] به او نزدیک می‌شوم، اگر یک ذراع به من نزدیک شود من به اندازه‌ی یک باع [فاصله‌ی دو دست باز] به او نزدیک می‌شوم، اگر قدم‌زنان به سویم بیاید من دوان دوان به سویش می‌روم (البخاری، ۱۹۸۱، ج ۸: ص ۱۷۱).

استفاده از جملات حکمت‌آمیز

نویسنده در برخی موارد در پردازش مفاهیم اخلاقی، از عبارات‌های حکیمانه نیز بهره برده است، در داستان «لحظة طیش» پزشک به بیمارش که ناامید از حل ماجراست می‌گوید: در رحمت الهی همیشه گشوده است و این ماییم که در هر گرفتاری باید راهی برای رسیدن به این رحمت پیدا کنیم (الکیلانی، ۱۹۹۷: ص ۱۹). و یا در داستان «لیلة غاب عنها القمر» این‌گونه می‌آورد که: مسلمانان با هم برادرند و با متحد شدن بر مشکلات غلبه خواهند کرد (الکیلانی، همان: ص ۲۸).

در داستان «لیل الحیاری» از این تعبیر استفاده می‌کند که «مومن از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود» (الکیلانی، همان: ص ۱۴۲).

در داستان «حمامة» شخصیت اصلی داستان در حال راز و نیاز با پروردگارش زمزمه می‌کند: «میان دعای مظلوم و اجابت خداوند حجایی وجود ندارد... پروردگارا اینک ذره‌ای ناچیز به درگاہت پناه آورده و از تو طلب عفو می‌کند...» (الکیلانی، همان: ص ۲۴۴).

اشاره به فرایض دینی مسلمانان

در داستان «فی ظلال الحب» تصویری از طواف کعبه و فریضه حج را به نمایش می‌گذارد. شخصیت اصلی داستان حین روایت داستان این‌گونه می‌آورد: «در سال ۱۹۷۱

نقد عناصر داستان «حکایات طیب» نجیب کیلانی بر اساس رویکرد ادبیات اسلامی ۳۵

برای ادای فریضه حج به مکه مسافرت کردم و در هنگام مراسم طواف ناگهان دوستم فریدرا با همسرش دیدم..» (کیلانی، ۱۹۹۷: ص ۲۳۱).
و یا در داستان «لیلة غاب عنها القمر» و لیل الحیاری به صدای اذان اشاره می‌کند. (الکیلانی، همان: صص ۲۸ و ۱۳۴).

اشاره به فضایل اخلاقی مسلمانان

• تقدیر باوری

در داستان «محاکمة العقل الباطن» پزشک به همسر بیمارش می‌گوید: «این افکار منفی را از سرت بیرون کن و به تقدیر الهی راضی باش» (الکیلانی، ۱۹۹۷: ص ۴۷).
در داستان «القلب الجریر» راوی حال شخصیت داستان را این‌گونه برای خواننده وصف می‌کند: «این بار آرام‌تر بود و به قضای الهی ایمان داشت..» (الکیلانی، همان: ص ۷۴).

کیلانی داستان «ابوالبنات» را با این نکته‌ی اخلاقی آغاز می‌کند که انسان هر چند از نعمت عقل بهره‌مند است اما گاهی مواقع برخی امور از دست وی خارج است و به تقدیر الهی وابسته است (کیلانی، همان: ص ۱۹۶).

در داستان «ضد مجهول» وقتی نتایج آزمایش را به شخص بیمار اطلاع می‌دهند ناراحت می‌شود اما بلافاصله تاکید می‌کند زمام همه کارها به دست خداست و او آماده است تا درمان بیماریش را شروع کند (الکیلانی، همان: ص ۱۹۱).

• رازداری

کیلانی در داستان «لحظة طیش» از زبان پزشک داستان به دختر بیمار می‌گوید: «ما پزشکان برای رازهای بیمارانمان احترام قائلیم» (الکیلانی، ۱۹۹۷: ص ۱۰). یا در ابتدای داستان «فی ظلال الحب» به سوگندنامه‌ی پزشکی که بر اساس آن پزشک موظف به حفظ اسرار بیمار است اشاره می‌کند: «قسم بقراطی که پزشک آن را یاد می‌کند در اصل برای رازداری اسرار بیماران آمده است. اسرار مردم مقدس است، چه بسا با امنیت و سعادت و آینده آنان پیوند خورده باشد» (الکیلانی، همان: ص ۲۲۷). در همین داستان وقتی

بیمار از پزشک می‌خواهد راز او را فاش نکنند، پزشک در پاسخ به درخواست وی می‌گوید: «ما پزشکان در قسمی که در مراسم سوگند خورده‌ایم حق نداریم اسرار بیمار را فاش کنیم» (الکیلانی، همان: ص ۲۳۰).

• احترام به والدین

در داستان «القاتل» شیخی که از شخصیت‌های فرعی داستان است به سالم شخصیت اصلی احترام به والدین را گوش زد می‌کند و می‌گوید: «پیاده شو سالم! این زن مادر توست و بهشت زیر پای مادران است» (الکیلانی، ۱۹۷۷: ۳۶).

• تعهد اخلاقی

کیلانی در کنار مهارت در علم و تخصص معتقد است پزشک باید متخلق به اخلاق اسلامی باشد، او موظف است اسرار بیمار را حفظ کند و اموری که اسلام از آن نهی فرموده را رعایت کند، در داستان «قصيدة الحب» وقتی از پزشک داستان تقاضا می‌شود عمل سقط جنین را انجام دهد پزشک این کار را قبول نمی‌کند (الکیلانی، همان: ص ۲۷۶). در داستان «لحظة طيش» هم سقط غیرقانونی جنین را عملی نامشروع قلمداد می‌کند و آن را غیر ممکن می‌داند (الکیلانی، همان: ص ۱۱).

شخصیت

شخصیت در اثر روایتی یا نمایشی، فردی است که کیفیت روانی و اخلاقی او، در عمل او و آنچه می‌گوید و انجام می‌دهد وجود داشته باشد (میرصادقی، ۱۳۷۷: ص ۷۶).

شخصیت‌های حکایات طبیب پیچیده نیستند و به راحتی می‌توان آن‌ها را به خوب و بد تقسیم کرد، کیلانی شخصیت داستان‌هایش را به گونه‌ای انتخاب کرده است که رفتار و کردارشان برای خواننده باورکردنی و ملموس باشد.

کیلانی معتقد است در داستان اسلامی شخصیت باید نمونه و اسوه باشد. وی در کتاب «رحلتی مع الأدب الإسلامي» عنصر شخصیت را در ادبیات اسلامی این‌گونه معرفی می‌کند: «از ادبیات اسلامی توقع آن می‌رود که شخصیتی کامل را به تصویر بکشد، شخصیتی که اسوه باشد. این شخصیتی که با عکس العمل‌های مدبرانه‌اش در

نقد عناصر داستان «حکایات طیب» نجیب کیلانی بر اساس رویکرد ادبیات اسلامی ۳۷

برابر حوادث متمایز می‌شود همان شخصیتی است که نماد تربیت اسلامی است» (الکیلانی، ۱۹۸۵: ص ۶۹).

کیلانی در شخصیت‌پردازی دو روش را در پیش گرفته است؛ گاه شخصیت صحبت می‌کند، عمل می‌کند و خواننده می‌تواند انگیزه‌ها و اوضاع و احوالی را که پشت اعمال و گفتار اوست استنباط نماید، گاه نیز از شیوه روایت بهره برده و دست به توصیف و ارزش‌گذاری می‌زند و در کسوت راوی به معرفی شخصیت‌های داستان می‌پردازد، این شیوه دوم در بیشتر داستان‌های این مجموعه به کار گرفته شده است.

آنچه شخصیت را در داستان‌های کیلانی متمایز می‌کند گسترش دایره‌ی مفهوم شخصیت است به این معنا که کیلانی شخصیت اسلامی را محدود به موذن و امام جماعت مسجد و .. نمی‌داند و این دایره را با وارد کردن افرادی از صنوف دیگر وسعت می‌دهد، تاکید وی در این مجموعه بیشتر بر روی شخصیت پزشک مسلمان است. از نظر او پزشک در دایره مسئولیت خود نیازمند معرفت و شناخت اموری است که به دین وی تعلق دارد و باید به سلاح ایمان مجهز باشد ایمانی که در نفس او ترس از خدا را بیدار نگه دارد و باعث شود پزشک بیمارانش را به خاطر رضای خدا دوست داشته باشد و علی‌رغم تمامی وسوسه‌ها خود را ملزم به پیروی از اوامر الهی بداند. کیلانی در داستان‌های خود به ظرافت به این مسأله می‌پردازد که پزشک باید خداوند را در همه حال نگهبان خود بداند و حلال و حرام مسائل مربوط به حرفه‌اش را بداند، وی معتقد است وظیفه پزشک تنها درمان دردهای جسمی بیماران نیست بلکه علاوه بر آن باید خود را در قبال پروردگار و مردم، متعهد به عمل بداند. پزشک مسلمان و متعهد از دیدگاه کیلانی، متخلق به اخلاق اسلامی است، او موظف است اسرار بیمارانش را حفظ کند و اموری که اسلام نهی کرده را رعایت کند.

کیلانی در حکایات طیب به گونه‌ای نامحسوس مسلمان بودن شخصیت‌های داستانش را گوشزد می‌کند؛ در اکثر داستان‌ها شاهد استفاده از عباراتی همچون: الله یحمیمک (در پناه خدا باشی)، سيعوضک الله خیرا (خدا خیرت دهد)، أطال الله لنا فی عمرک (خداوند عمرت دهد)، الله یبارک فیک (خداوند برکت دهد) و عبارت‌هایی از

این قبیل از زبان شخصیت‌ها هستیم، عبارت‌هایی که فقط می‌تواند زمزمه‌ی یک شخص مسلمان باشد و کیلانی هنرمندانه از آن بهره جسته است.

گفت و گو

گفت و گو (dialogue) به معنای صحبت کردن و مبادله افکار و عقاید است، پیرنگ را گسترش می‌دهد و درون‌مایه را به نمایش می‌گذارد و شخصیت‌ها را معرفی می‌کند (میرصادقی، ۱۳۷۷: ص ۲۳۱). گویانویسنده با استفاده از این عنصر خود را از صحنه خارج می‌کند و مجال بیشتری را در اختیار شخصیت‌های داستان قرار می‌دهد تا بی‌واسطه با مخاطب ارتباط برقرار کنند، سبک استفاده از این عنصر و نوع رد و بدل شدن جملات میان شخصیت‌ها می‌تواند قدرت نویسنده را نشان دهد. گفت و گو تنها به عنوان آرایش و زینت داستان به کار نمی‌آید بلکه عمل داستانی را در جهت معینی پیش می‌برد (میرصادقی، ۱۳۸۰: ص ۴۷۱).

کیلانی در این مجموعه داستان از گفت و گو به خوبی بهره برده است؛ نثر وی نثری گفتاری است با جمله‌های کوتاه و رسا و بی‌هیچ‌گونه پیچیدگی و ابهام. از آنجا که شخصیت‌محوری تمامی داستان‌ها پزشک داستان است بیشترین مواردی که عنصر گفتگو به کار گرفته شده تا پیام‌های اسلامی را به خواننده منتقل کند، دیالوگ‌های موجود میان پزشک داستان و بیمار است، به عنوان نمونه در داستان «جنه‌الورد» پزشک به زنی که دچار حاملگی کاذب شده و از این اتفاق خیلی ناراحت است دل‌داری می‌دهد و می‌گوید: «این خواست خداوند بوده است، إن شاء الله در زمانی که خداوند در نظر گرفته مادر خواهی شد» (الکیلانی، ۱۹۹۷: ص ۴۳). یا در داستان «الضحیة» بیمار به پزشک می‌گوید: «مرگ حق است دکتر! عمر ما به دست پروردگار است.. همگی روزی خواهیم رفت..» (الکیلانی، همان: ص ۵۴).

در داستان «الجریمه» بیمار رو به پزشک می‌گوید: «دکتر! به خدایی که هیچ خدایی جز او نیست سوگند می‌خورم که من در جریان شرایط او نبودم..» (الکیلانی، همان: ص ۱۲۰).

نقد عناصر داستان «حکایات طیب» نجیب کیلانی بر اساس رویکرد ادبیات اسلامی ۳۹

در «لیل الحیاری» وقتی شخصیت اصلی داستان به پزشک پناه برده و به او می‌گوید که از این زندگی خسته است و آرزوی مرگ خود را دارد پزشک ناراحت می‌شود و سعی می‌کند او را دلداری دهد: «این حرف را نزن، این کلامی است که موجب غضب خداوند می‌شود» (الکیلانی، همان، ص ۱۲۴). در جایی دیگر از این داستان پدر به دخترش می‌گوید: «ما انسانیم دخترم! و معصوم از خطا نیستیم، کمال مطلق از آن خداوند است..» (الکیلانی، همان، ص ۱۴۷).

یا در داستان «وادی الاحلام» وقتی فرید از اوضاع زندگی‌اش شاکی است دوستش رو به او می‌گوید: «ناشکری نکن فرید! اوضاع خیلی بد نیست .. بهتر است خداوند را شاکر باشیم..» (الکیلانی، همان: ص ۱۶۳).

عنصر گفت و گو در این داستان‌ها کمک کرده تا موازین و ارزش‌های اسلامی مورد نظر نویسنده درست به تصویر کشیده شود. این همان نکته‌ای است که ابوالحسن ندوی -از نظریه پردازان ادبیات اسلامی- آن را نقطه تلاقی ادبیات اسلامی با سایر گرایش‌های ادبیات می‌داند آنجا که می‌گوید: «شاید بتوان این‌گونه بیان کرد که چیزی که ادبیات اسلامی را از غیر آن متفاوت می‌سازد رعایت مصلحت انسان است، ادبیات اسلامی ادبیات متعهدی است، ادبیات اسلامی هتک حرمت نمی‌کند و شأن انسان را رعایت می‌کند، ادبیات اسلامی روحش را از اسلام گرفته است، از اسوه‌ای به نام پیامبر (ص)، ادبیات اسلامی به هوی و هوس‌های شیطانی توجهی ندارد» (ندوی، ۱۹۸۵: ص ۲۰). نویسنده متعهد اسلامی در به‌کارگیری عنصر گفت و گو باید هر آنچه که با شرع و عرف و اخلاق اسلامی منافات دارد را حذف نماید.

صحنه‌پردازی

زمان و مکانی را که در آن عمل داستانی صورت می‌گیرد صحنه (setting) می‌گویند. کاربرد درست صحنه بر اعتبار و قابل قبول بودن داستان می‌افزاید و انتخاب درست مکان وقوع داستان به حقیقت ماندنی آن کمک می‌کند (میرصادقی، ۱۳۸۰: ص ۴۴۹). از جمله مواردی که کیلانی برای اسلامی کردن این عنصر در داستان خود استفاده کرده است می‌توان به داستان «فی ظلال الحب» اشاره کرد که در آن نویسنده تصویری

از طواف شخصیت اصلی داستان به دور کعبه و انجام اعمال فریضه حج را به نمایش می‌گذارد (الکیلانی، ۱۹۹۷: ص ۶۴).

در «لیل الحیاری» نیز پزشک پیش از رسیدن موعد عمل بیمارش به مسجد نزدیک بیمارستان می‌رود و در آنجا به تلاوت آیاتی از قرآن کریم گوش می‌سپارد (الکیلانی، همان: ص ۱۳۴).

زمان نیز برای نشان دادن ارزش‌های مسلمانان به کمک کیلانی آمده آنجا که در داستان «القلب الجریح» زندانی به هم سلولی خود می‌گوید: «دیگر باید بخوابیم، تا سحر برای نماز صبح بیدار شویم» (الکیلانی، همان: ص ۶۶). یا در «بکی السجان» که یکی از زندانیان برای نماز ظهر شروع به اذان گفتن می‌کند (الکیلانی، همان: ص ۲۴۶). گاهی هم مکان و زمان با هم برای رساندن مقصود مورد نظر به کار گرفته می‌شوند «هر سه مسجد روستا با هم اذان صبح را سر دادند» (الکیلانی، همان: ص ۲۵۴).

توصیف

توصیف، کیفیت اشیاء، اشخاص، اوضاع، احوال و اعمال و رفتار را ارائه می‌دهد و هدف آن القای تصویر و تجسم موضوع است و غالباً به عنوان بند یا پاره‌ای از داستان می‌آید (میرصادقی، ۱۳۷۷، ۷۲).

حال در حوزه ادبیات اسلامی بنا به گفته‌ی محمود البستانی در کتاب «الإسلام و الفن» این عنصر گاه تجربه‌های دنیایی را ترسیم می‌کند و گاه به مسائلی در رابطه با زندگی اخروی اشاره دارد؛ مواردی همچون بهشت و جهنم، یا قبرستان و مرگ و .. (البستانی، ۱۴۰۹: ص ۱۳۰) نجیب کیلانی نیز در شرح حوادث، به توصیف ظاهر افراد، اماکن و فضای حاکم در داستان می‌پردازد چنانچه در داستان «القاتل» شیخ جلیل را - که از شخصیت‌های اصلی داستان به شمار می‌رود - این‌گونه توصیف می‌کند: «شیخ جلو آمد، عمامه‌ی بزرگی بر سر داشت، عبای آبی رنگی بر تن. تسبیح درازی بر گردنش آویزان بود» (کیلانی، ۱۹۹۷: ص ۳۵).

در «ضد مجهول» کیلانی مرد بیمار را این‌گونه توصیف می‌کند: «به صورتش نگاه

نقد عناصر داستان «حکایات طیب» نجیب کیلانی بر اساس رویکرد ادبیات اسلامی ۴۱

می‌کردم.. و به عمامه‌ی سفیدش.. و لبخند شیرینش، و تسلیم بودنش در برابر قضا و قدر الهی و سخنانش در مورد مادرش و ایمانش و رضایتش.. « (الکیلانی، همان: ۱۹۲).

کیلانی داستان کوتاه را از تنگناهای آن به عرصه‌ی آزادتر سودا و خیال و دلپذیری و ظرافتمی‌کشاند. داستان‌های تاثیرگذار کیلانی که در رده آثار معاصر ادبیات ملل مسلمان جای می‌گیرد، در شکلی هنری و زیبا و طرحی منظم و هماهنگ خلق شده‌اند.

او را با تألیفات فراوان در این حوزه، باید از مشهورترین نظریه‌پردازان ادب اسلامی قلمداد کرد؛ شایسته است ادیبی چون او با توجه به کثرت آثار، روانی اسلوب و تعدد فعالیت در این زمینه بیشتر مورد توجه محققان و پژوهشگران ادبیات اسلامی قرار گیرد، نقد و بررسی دیگر آثار نجیب کیلانی مطالب قابل توجهی را درباره ادبیات اسلامی پیش روی ما قرار خواهد داد.

نتایج

- کیلانی به عنوان یکی از نظریه پردازان اصلی ادبیات اسلامی تلاش کرده است ضمن پایبندی به جهان بینی اسلامی در مضامین، تکنیک‌های داستان نویسی اسلامی را در مجموعه داستان حکایات طیب به بهترین وجه به کار گیرد و آمیزه‌ای از هنر و تعهد را به نمایش بگذارد.
- کیلانی درون‌مایه‌ی داستان‌های حکایات طیب را عرصه‌ی مناسبی برای طرح ارزش‌های اسلامی خود قرار داده است. وی با به کارگیری آیات و روایات، جملات حکمت آمیز و نیز اشاره به فرایض دینی مسلمانان و فضایل اخلاقی مورد تاکید دین مبین اسلام برای یک فرد مسلمان، سعی بر آن داشته که به نحوی ارزش‌ها و عقاید اسلامی خود را در قالب داستان به خواننده‌ی خود منتقل کند.
- آنچه شخصیت را در داستان‌های این مجموعه داستان متمایز می‌کند گسترش دایره‌ی مفهوم شخصیت است، کیلانی شخصیت اسلامی را با وارد کردن افرادی از صنوف دیگر وسعت می‌دهد. وی در حکایات طیب بیشتر به نمایاندن شخصیت پزشک مسلمان می‌پردازد، پزشکی که رضایت خدا را در اعمال و رفتار خود در نظر

دارد و به شرع و کتاب الهی پایبند است.

- به کارگیری عبارات‌های دعایی متداول در میان مسلمانان نیز نمودی دیگر از به کارگیری ادبیات اسلامی در داستان‌های گوناگون این مجموعه است.
- تأکید اصلی کیلانی در داستان اسلامی بر اسلامی کردن مضمون است و برای رسیدن به این مقصود، مضامین اسلامی را در قالب عنصر گفت و گو وارد داستان‌هایش کرده است. این عمل غالباً با کمک نقل قول‌ها یا دیالوگ‌های پزشک و بیمار و یا مونولوگ‌های درونی اشخاص انجام شده است.
- از نمودهای دیگر ادبیات اسلامی که در این مجموعه داستان توسط کیلانی به کار گرفته شده است استفاده از عنصر صحنه‌پردازی [مکان و زمان] است؛ اشاره به اماکن مقدس مسلمانان و نیز ساعات شرعی از جمله مواردی است که وی برای این مقصود مورد استفاده قرار داده است.
- با توجه به نمودهای ادبیات اسلامی در عناصر مختلف مجموعه داستان حکایات طیب، می‌توان این مجموعه داستان را به عنوان یکی از نمونه‌های داستان اسلامی به شمار آورد.

پی‌نوشت

۱- در سال ۱۹۳۱ در قاهره به دنیا آمد. در سال ۱۹۵۱ پس از اخذ دیپلم به دانشکده پزشکی «القصر العینی» راه یافت (الکیلانی، ۱۹۸۳: ص ۹). در قاهره به عضویت حزب إخوان المسلمین در آمد. و هم‌زمان به مطالعه آثار ادبای برجسته‌ای چون طه حسین، احمد شوقی، توفیق حکیم، منفلوطی، عقاد، مازنی و ... پرداخت. در سال ۱۹۶۵ از دانشکده پزشکی فارغ التحصیل شد و در سال ۱۹۶۹ به منطقه خلیج فارس سفر کرد. وی به مدت ۱۰ سال مشاور اول وزیر بهداشت امارات و سپس مدیر یکی از بخش‌های وزارت بهداشت بود. در طی این سال‌ها به تالیف کتاب‌هایی در زمینه پزشکی پرداخت و آثار ارزشمندی را از خود به جای گذاشت. این نویسنده‌ی بزرگ در مارس ۱۹۹۵ در اثر ابتلا به سرطان کبد در قاهره درگذشت (الکیلانی، ۱۹۹۲: ص ۷۸).

۲- اقبال الشاعر الثائر.

منابع و مأخذ

— قرآن کریم

— البخاری، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم (۱۹۸۱م)، صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر، چاپ افست، استانبول، چاپخانه العامرة.

— البستانی، محمود (۱۴۰۹ه.ق)، الإسلام و الفن، چاپ اول، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية.

— کیلانی، نجیب (۱۳۷۶ه.ش)، اسلام و مکاتب ادب، ترجمه: نوید کاکاوند، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

— (۱۹۸۵م)، رحلتیم الأدب الإسلامي، بیروت، مؤسسة الرسالة.

— (۱۹۹۲م)، حول القصة الإسلامية، الطبعة الاولى بیروت، مؤسسه الرسالة.

— (۱۹۹۷م)، حکایات طیب، بیروت، مؤسسة الرسالة.

— (۱۹۸۳)، لمحاتمن حیاتی، القسم الأول، بیروت، مؤسسه الرسالة.

— (دون تا)، مدخل إلى الأدب الإسلامي، قابل دسترسی در شبکه مشکاة الإسلامية.

— میر صادقی، جمال (۱۳۸۰ه.ش)، عناصر داستان، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سخن.

— و میر صادقی، میمنت (۱۳۷۷ه.ش)، واژه نامه هنر داستان نویسی، چاپ اول، تهران: کتاب مهناز.

— الندوی، ابوالحسن (۱۹۸۵م)، الأدب الإسلامي و صلته بالحياة، الطبعة الاولى، بیروت، مؤسسة الرسالة.

— خزعلی، انسیه و بصیری، اشرف (۱۳۸۸ه.ش)، «رنالیسم در داستان‌های کوتاه نجیب کیلانی با استناد به مجموعه داستانی الکاوس»، مجله ادب عربی دانشگاه تهران، شماره ۱، (از ص ۷۷ تا ص ۱۰۰).

— سمتی، محمد مهدی و نقوی، سمانه نقوی (۱۳۹۲ه.ش)، «المضامین الإجتماعیة فی رواية «لیل و قضبان» لنجیب الکیلانی» مجله بحوث فی اللغة العربیة و آدابها، العدد ۷، (از ص ۹۳ تا ص ۱۱۲).

— عبدی، صلاح الدین و زمانی، شهلا، (۱۳۹۰ه.ش)، «استعمارستیزی در رمان‌های نجیب کیلانی بررسی موردی داستان عمالقة الشمال»، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۲۰، (از ص ۱۶۳ تا ص ۱۹۵).

— کیلانی، نجیب، (۱۳۸۷ه.ش)، «در آمدی بر ادبیات اسلامی»، ماهنامه ادبیات داستانی، ترجمه زاهد ویسی، تهران، حوزه هنری، (از ص ۱۰ تا ص ۱۶).

— کیلانی، نجیب (۱۳۸۵ه.ش)، «ملاحظات اسلامی درباره ادبیات متعهد»، ماهنامه زمانه، ترجمه زاهد ویسی، تهران، کانون اندیشه جوان، (از ص ۷۰ تا ص ۷۶).

۴۴ نقد ادب معاصر عربی

– زودرنج، صدیقه، (۱۳۸۰.ه.ش)، «بررسی و تحلیل نقش و جایگاه نجیب کیلانی در داستان نویسی اسلامی معاصر»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما: خلیل پروینی
– میهن دوست، عبدالسلام (۱۳۹۰.ه.ش)، «دکتر نجیب الکیلانی پزشکی نویسنده»، واقع در پایگاه الکترونیکی به آدرس <http://goo.gl/IuisvA>

Archive of SID

دراسة عناصر القصة في مجموعة «حكايات طيب» لنجيب الكيلاني على أساس منهج الأدب الإسلامي

مجيد صالح بك^١

نجمه حسينيان فر^٢

الملخص

في عالمنا اليوم يرغب كثير من المفكرين و أصحاب الرأي و من بينهم الإسلاميون في نشر أفكارهم باستخدام أساليب مختلفة و من بين هذه الأساليب يختار البعض سبيل الفن و الأدب بسبب ما لهما من النفوذ و التأثير الواسعين. و قد واجه المجتمع المصري في الأربعينيات من القرن العشرين من قبل بعض الأدباء نشاطات كثيرة في مجال الأدب الإسلامي، بحيث أدت هذه النشاطات إلى ظهور تيار جديد في الأدب، فترة الخمسينيات، يمكن تسميته بالأدب الإسلامي أو المدرسة الإسلامية في الأدب. يعد الكاتب العربي المعاصر نجيب الكيلاني (١٩٣١-١٩٩٥) من أصحاب الرأي في الأدب الإسلامي. لقد حاولنا في هذه المقالة، مستخدمين المنهج الوصفي و التحليلي، دراسة عناصر القصة في مجموعته «حكايات طيب» للبحث عن مظاهر الأدب الإسلامي فيها. فأشرنا موجزاً إلى حياة الكيلاني و بعض من وجهات نظره فيما يتعلق بالأدب الإسلامي ثم بحثنا عن عناصر القصة في مجموعته حكايات طيب على أساس منهج الأدب الإسلامي. من خلال دراسة الموضوع، و الشخصية، و الحوار، و المكان، و الزمان، و التوصيف، يمكن العثور على أن الكيلاني ضمن بعضاً من مظاهر الأدب الإسلامي في مجموعته هذه و أعطى لقصصه صبغة إسلامية. و نستطيع أن نعتبر حكايات طيب نموذجاً من القصة الإسلامية.

الكلمات الرئيسية: الأدب الإسلامي، القصة الإسلامية، نجيب الكيلاني، حكايات طيب.

١- أستاذ مساعد في كلية الآداب و اللغات الأجنبية بجامعة العلامة الطباطبائي

٢- طالبة دكتوراه في اللغة العربية وآدابها